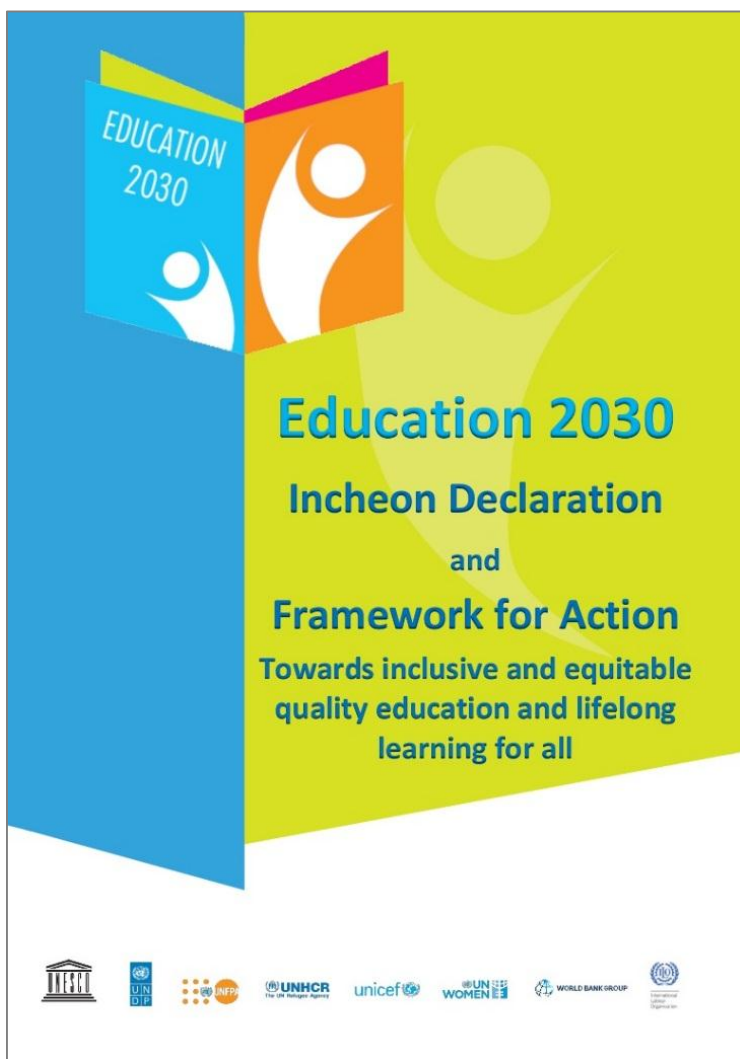


۲۰۳۰؛ امضای مسئولین ساده اندیش، بر سند اسارت فرهنگی

بررسی سند ۲۰۳۰ در گفتگو با «دکتر حسین روزبه»

یکی از مسائلی که در دیدار رهبر انقلاب با معلمان و فرهنگیان آموزش و پرورش مطرح شد و در سایه فضای انتخاباتی حاکم بر کشور، کمتر مورد توجه و پرداخت قرار گرفت، سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو با رویکرد تأثیر بر همه‌ی حوزه‌های آموزشی کشورها بود که در سال ۲۰۱۵ میلادی و برای اقدام عملی کشورها، در سازمان ملل متحد ارائه شد. جمهوری اسلامی ایران نیز که از کشورهای شرکت‌کننده در این اجلاس بود، متعهد به اجرای این سند شد و در سال ۱۳۹۵، سند ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران را تصویب کرد.



حضرت آیت الله خامنه‌ای در دیدار با معلمان و فرهنگیان، ضمن مطرح کردن عمومی این بحث، با به چالش کشیدن صلاحیت مجموعه‌های بین‌المللی در برنامه ریزی برای ملل، نسبت به روند دولت در پذیرش و اجرای بی‌سرو صدای این سند انتقاد نموده و فرمودند:

«اینها چیزهایی نیست که جمهوری اسلامی بتواند شان‌اش را زیر بار اینها بدهد و تسلیم اینها بشود. به چه مناسبت یک مجموعه‌ی به‌اصطلاح بین‌المللی‌ای -که قطعاً تحت نفوذ قدرتهای بزرگ دنیا است- این حق را داشته باشد که برای کشورهای مختلف، برای ملت‌های گوناگون، با تمدن‌های مختلف، با سوابق تاریخی و فرهنگی گوناگون، تکلیف معین کند که شما باید این‌جوری عمل کنید؟ اصل کار، غلط است. اگر چنانچه با اصل کار شما نمیتوانید مخالفت بکنید، حداقلش این است که بایستید بگویید جمهوری اسلامی خودش مشی دارد، خط‌وربط دارد، ما سندهای بالادستی داریم، ما میدانیم باید در زمینه‌های آموزش، پرورش، اخلاق، سبک زندگی چه کار کنیم؛ احتیاج به این سند وجود ندارد. اینکه ما برویم سند را امضا کنیم و بعد هم بیاییم شروع کنیم بی‌سروصدا اجرائی کردن، نخیر، این اصلاً مطلقاً مجاز نیست.»

در همین خصوص و با توجه به ضرورت تبیین اهداف و عواقب اجرای این سند، گفتگویی با «دکتر حسین روزبه» استاد دانشگاه و کارشناس مسائل بین‌الملل انجام دادیم که در ادامه ارائه می‌گردد؛

– با سلام و تشکر از فرصتی که در اختیار «مصدق» قرار دادید؛ لطفا در ابتدای بحث شرایط، جوانب و اطراف و اهداف سند ۲۰۳۰ را به نحو ساده و روشنی تشریح کرده و نحوه تقابل دولت با این سند بین المللی را تشریح بفرمایید.



بسم الله الرحمن الرحيم

در خصوص بحث پیرامون سند ۲۰۳۰، باید قدری عقب برویم و ابتدا ریشه تقابل گفتمانی جمهوری اسلامی و غرب را بررسی کنیم. امروز در جهان یک تقابل جدی وجود دارد، دو نحله فکری و آبخور فکری سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در مقابل هم صف بندی کرده اند.

یک جریان در ایران وجود دارد با ادعای اینکه ما از لحاظ تاریخی صاحب فکر و تمدنیم و از نظر هویتی کاملاً یک تفکر ریشه داری مثل اسلام داریم. یعنی تمدن ایرانی به علاوه هویت اسلامی

داریم که قادر و مایل است نظام سازی- اعم از اقتصاد، فرهنگ، سیاست، اجتماع، خانواده و ...- و فرهنگ سازی کند. این ادعای یک جریان است که ایرانیان می توانند با این بحث هویتی و مایه های قوی تاریخی و اسلامی نظام سازی کنند. جریان دوم در برابر این جریان هویتی و اسلامی قائل به تحمیل سبک و سلیقه و نظامات فکری و اجرایی به مردم جهان است که ما از آن با نام جریان سلطه یاد میکنیم.

در جریان ما، مردم انقلاب کردند که بگویند نظامات حاکم بر جهان را نمی خواهند. که در ۲۲ بهمن ۵۷ این انقلاب به مرحله پیروزی می رسد. اما این پیروزی، برای این جریان پایان کار نبوده و تازه آغاز دوران ساختار سازی تفکری است.

قدرت سیاسی ای که به دست آمده، به جلو حرکت میکند، یعنی به کجا؟ نظام اسلامی را بسازد. بعد ساختار سیاسی و قانون اساسی و اجزای حاکمیت بنا نهاده شود، و اصلاح ساختار موجود به سمت ساختار جدید رو به جلو انجام پذیرد. که اتفاقاً به بهترین وجه انجام شد. یعنی در حوزه ساختار مردمی یک ساختار اثر بخش کارآمد، یک سبک معجزه بخش نظیر جهاد سازندگی ایجاد می شود، در حوزه امنیت ساختاری مثل سپاه و بسیج شکل می گیرد و سپاه به عنوان عقبه راهبردی تجهیزکننده به میان می آید. با همین دو بخش نظام امنیت و اجتماع را ساخته و اقتصاد را هم در دل جهاد سازندگی می سازد. اینجا بد نیست اشاره کنیم اتفاقاً دوستانی که دائم مردم مردم می کنند، ضد مردمی ترین حرکتی که کردند انحلال مردمی ترین نهاد این کشور یعنی جهاد سازندگی بود.

– این تعارض و تقابلی که می فرمایید چگونه با ۲۰۳۰ ارتباط پیدا می کند؟

خب این تفکر هویت بخش (جریان ایرانی- اسلامی) حتما معارض دارد. به صد دلیل که کوچکترین دلیلش موقعیت ژئوپولیتیک ایران است. یعنی در منطقه ای قرار دارد که خیلی خاص است و برای هر نحله ای مهم است. چه دست جریان انقلاب اسلامی باشد و چه دست نظام سلطه، رقابت بر سر این است.

خب در این تقابل یک ایران الان داریم و یک ایران آینده. ایران آینده را کسی می سازد که الان مهد کودک است. سن و سال ما جنگ را دید و امام یادمان می آید، ولی اینها دارند همان حرکتی که سال ۴۲ یا قبل تر حتی سال ۳۷ شروع کرد و طیفی از جریانات و طبقه ای از نخبگان ایرانی و اسلامی را تربیت کرد، آورد در صحنه، نسل را ساخت و انقلاب کرد، همین حرکت را علیه ما مهندسی معکوس می کنند. ۲۰۳۰ به نظرم با تمام فجایعی که در حوزه نظام آموزشی دارد، در واقع خطر اصلی اش آنست که میرود به سمت نهادهای پایه ای ما؛ کسی که می آید دانشگاه

تقریباً ریشه‌ها و بنیان‌های فکری اش شکل گرفته، یعنی تغییرش کمتر است و شخصیتش شکل گرفته است. هویت و ساختار سیاسی و فرهنگی و اجتماعی اش شکل می‌گیرد و تعلقاتش معلوم می‌شود. خب اینها دارند ریل گذاری روی تعلقات می‌کنند، ریل گذاری روی هویت می‌کنند. این سند میخواهد ایدئولوژی زایی کند، یعنی آموزش و پرورش بدون ایدئولوژی باشد؛ خب این خودش یک ایدئولوژی است، یعنی نوع نگاه میدهد. ایدئولوژی یعنی عینکی که باهات می‌بینید. اینها می‌گویند هیچ عینکی جز عینک ما قبول نیست. خب داستان چیست؟ این عینک هست یا نه؟ نگرش هست یا نه؟ پس اینکه به بهانه آموزش و اینها آمده اند جلو چیز دیگری است. آموزش بدون ایدئولوژی مسخره و خنده دار است، مثل هوا بدون هوا، فرهنگ بدون فرهنگ، نگرش بدون نگرش! پس آموزش بدون ایدئولوژی نمی‌شود، حالا باید بحث کنیم که چرا ایدئولوژی شما؟ اصلاً کدام ایدئولوژی؟

دم دستی ترین تحلیل اینست که پذیرش سند ۲۰۳۰، امضای مسئولین ساده لوح و ساده اندیش ماست در پای سند بی کفایتی مردم ایران. مسئولین با پذیرش این سند، ملت را بی کفایت تفسیر کرده اند. یعنی ملتی بدون کفایت عقلی که توان تربیت فرزند خود را نداریم. «ما» که می‌گوییم یعنی هم من پدر و مادر، هم من مسئول و هم من حاکمیت. این اوج خود باختگی فرهنگی است. برخی حواشی انسان را آزار می‌دهد. مثلاً در بحث آموزش جنسی می‌گوید باید آموزش باشد تا رفتار جنسی مناسبی داشته باشند که بعداً در زندگی مجبور به جدایی نباشند. خب زندگی با فهم مشترک شکل می‌گیرد و اینطور پایدار است. باشد ما همان آموزش جنسی که شما می‌گویید را می‌دهیم ولی سوال این است الان در جاهایی که آموزش داده اند همه چیز درست شده است؟

یا امروز که آموزش جنسی بیش از گذشته است منجر به کاهش تبعات و عواقب آن شده یا افزایش آن؟ پس ببینید بعضی اوقات سم رو در زر ورقی از طلا و الماس به مردم می‌دهند. زر ورق قابل خوردن نیست آن سم داخلی قابل خوردن و اثر است. اگر آموزش جنسی باعث بالارفتن کیفیت زندگی می‌شود پس چه کسی باید پاسخگوی طلاق‌ها باشد؟ ظاهراً جامعه بازتر شده است. این واقعیت است، این تاثیر سیاست این دولت است. ولی آیا آمار طلاق کاهش پیدا کرده؟ بیابند بگویند، بگویند آمار فحشا کاهش پیدا کرده؟

اصلاً ۲۰۳۰ از دید من تصرف جایگاه‌های تصمیم ساز نظام اسلامی در حوزه آموزش و تربیت توسط نظام سلطه است. این به این معنا نیست که ما تعامل نمی‌کنیم با کسی، اتفاقاً ما نتیجه تجربه‌های بشر را دیده ایم و تاکید داریم که خودمان مدل داریم.

خب بنده به بعضی از کسانی که این سند را امضا کرده اند گفتم ۲۰۳۰ یعنی که ما دیگر توان ساختن رئیس جمهوری مثل شما را نداریم. ما یک تفکری داشتیم، یک برنامه‌ای داشتیم که شما را ساخته؛ شما الان خودت برای این مملکت رییس جمهور می‌سازی ولی ۲۰۳۰ می‌خواهد یکی دیگر در آینده برای ما رئیس جمهور بسازد.

از نگاه کلان، سند ۲۰۳۰ ادغام ایران در نظامات بین‌المللی است. ادغام ایران یعنی دست شستن از آنچه که ایران اسلامی است. «حیا» با همه تاکیداتی که دین اسلام دارد یک عنصر به شدت ایرانی است. به شدت انسانی است. شما نمیتوانید در هیچ جای فرهنگ سنتی ایرانی، حتی در بخش غیرمنبعث از اسلام، حیا را کنار بگذارید. بی حیا در ایران فحش است. خب ما رسمی آمدم حیا دایی کردیم با این سند. ایدئولوژی زدایی یعنی حیا دایی. حذف ایدئولوژی یعنی ما میخواهیم بچه‌های بدون پدر و مادر تربیت کنیم.

خب ما می‌گوییم شما با این ایدئولوژی با تجارب جهانی‌ای که دارید جایی بوده که این مدل را پیاده کنید؟ می‌گویند بله در اکثر کشورها. می‌گوییم خب می‌شود به ما بگویند رفتارش در حوزه خانواده چیست؟ می‌گویند برنامه و مدل این سند ۲۰۳۰ یعنی توضیح دستگاه و روش تولید انسان، اینکه آدمها اینطور ساخته می‌شوند. در حوزه رفتار جنسی **People Unlimited**؛ مردمان بدون مرز، بدون حد. خب یعنی چه؟ یعنی آموزش هم جنس بازی.

برنامه این سند در حوزه رفتاری زن یا شوهر چیست؟ تعهد زدایی از رفتار طرفین نسبت به هم؛ شما ببینید در غرب، هرچقدر خانواده ابهت و اصالت دارد، بعد از اجرایی شدن این سند در داخل همانطور خواهد شد. تعهد زن به شوهر و شوهر به زن. اصلا این تجربه جهانی و نمونه‌های آن مضحک است. اگر می‌خواهید بپذیرید خب جوانب و اطراف آن را بدانید و بپذیرید. نه اینکه آ» را زیر الفاظ رنگی پنهان کنید.

مشکل ما و در واقع مشکل جریان انقلاب برای دفاع از خودش و مظلومیت نظام، این است که ما در الفاظ گیر میکنیم و الفاظ بسیار مغلل و مبهم است و حتی بعضی مواقع خیلی خوشگل و آبدار است و این کار را سخت می‌کند. مثلا ما که مخالف توسعه نیستیم. تازه وقتی development ترجمه می‌شود به توسعه و توسعه از واسع العليم می‌آید، خب شد یک کلمه زیبا و جذاب با عقبه قرآنی!! اینطور می‌آیند مفایم زیبا با محتوای زشت را غالب می‌کنند به مردم.

– حتی استدلال کرده بودند اولین چیزی که خدا به پیامبر وحی کرد إقرأ است. پس ما باید دنبال سند ۲۰۳۰ باشیم.

درست است که اولین کلمه إقرأ بود ولی اگر با نگاه پیامبر به إقرأ بپردازیم، از دل این نگاه سند ۲۰۳۰ در نمی‌آید. إقرأ با کدام نگاه؟ پیامبر یا جان لاک؟ این دو نگاه است.

مشکل ما در تبیین و رساندن پیام خطرناک سند ۲۰۳۰ به جامعه، مبهم‌گویی و کلی‌گویی بوده و هست. این خطای راهبردی ما در طول تاریخ انقلاب بوده. ما بلد نیستیم به زبان ناس با مردم صحبت کنیم. سند ۲۰۳۰ یعنی قمه کشی فرزند علیه پدر. یعنی خانه سالمندان بیشتر. یعنی افزایش فحشا و زنا بیشتر. افزایش فرزندان نامشروع و تجاوزهای جنسی بیشتر در حوزه رفتار جنسی. افزایش طلاق بیشتر. یعنی از هم پاشیده شدن بنیان خانواده، این مدل در کشورهای دیگر تجربه و پیاده شده. باید نتایج آن را دید.

– جایگاه خانواده در این سند کجاست؟

ما به جای اینکه بگوییم جایگاه خانواده در این سند ۲۰۳۰ کجاست باید بگوییم شما نمونه عینی از استحکام بنیان خانواده پس از اجرای سند در جاهای مختلف رو نشان بدهید. ما فقط می‌گوییم این با ارزشهای دینی در تضاد است. ولی فراتر از آن از تولید کنندگان و امضا کنندگان باید سوال کنیم که نمونه اجرا شده ی این مدل چیست؟ کجاست و چه شکلی است؟

بنده وقتی فرزندم را به مدرسه می‌فرستم، توقع دارم به عنوان پدر به من احترام بگذارد. با اجرای سند ۲۰۳۰ این توقع تبدیل به توهم می‌شود. ما خیلی ساده باید این را به مردم بگوییم. پیچیده نکنیم موضوع را.

نخبگان ما امروز نسبت به این سند گنگ و مبهمند که واقعا با اجرای این سند در سطح جامعه چه اتفاقی قرار است بیافتد؟ چه خانه ای ساخته می‌شود. خانه ی روی آب؟ خیر اصلا خانه ای نخواهد بود که حالا روی آب باشد. توهم خانه است. خانواده در غرب فروپاشیده. در سند تصریح دارد به خانواده های تک والدی. خانواده های با دو والد یکسان. اینکه دیگر خانه نیست. باغ وحش از این بهتر است. منتها ما اینها را نمی‌گوییم.

یا در حوزه فرهنگی – فارغ از نگاه اسلامی و خارج از آن – جایگاه زن کجاست؟ مادر جایگاهش کجاست؟ همسر جایگاهش کجاست؟ اصلا ما میخواهیم ایرانی باشیم اسلام به کنار. برخی ها فقط ادعا می‌کنند می‌خواهند ایرانی باشند. اتفاقا ما میخواهیم بگوییم اینطور نیستید، چون خیلی از خطوط قرمزی را که اسلام تعیین کرده در نگاه ایرانی پررنگ تر و تند تر است. مثلا بحث ناموس در فرهنگ ایرانی کجاست؟ ایدئولوژی زایی سند ۲۰۳۰، یعنی ناموس زایی از اندیشه ایرانی. حالا میخواید قبول کنید؟ خب بفرمایید. حالا نکته بعد ما این است اجازه می‌دهید ما با خود شما شروع کنیم؟ خب بسم الله امضا کردید خودتان هم شروع کنید و انجام بدید. چرا زن و فرزند خودتان را می‌برید در خانه و هزار پستو تا کسی نگاه چپ به اینها نکند ولی به زن و بچه مردم که می‌رسید ایدئولوژی زایی می‌شود؟ به ما می‌گویند این نگاه شما، نگاه قرون وسطایی است. عیبی ندارد اصلا با همین نگاه قرون وسطایی، چرا خودتان نمی‌آیید جلو؟ چرا نوبت به خودتان که می‌رسد فرزندانان را می‌برید در

مدارس خاص مذهبی سال ۱۳۵۰؟ مدارس شبکه ۱۳۵۰ اولین چیزی که به آنها آموزش می‌دهید همان چیزی است که با امضای این سند زدید زیر آن.

من به نظرم در نقد این سند تمرکز مطلق بر مفاهیم اشتباه مطلق است. البته حتما لازم است برای شناخت سند مفاهیم را بشناسیم. اما اگر قرار است این سند برای مردم تبیین شود تمرکز صرف بر مفاهیم غلط است. حتی برای تبیین نخبگانی این سند باید ترکیبی عمل شود. اشتباه برخی دوستان این است که فقط بر مفاهیم تمرکز می‌کنند. باید به مصداق برسیم. تضاد ایدئولوژیکی وقتی می‌شود چاقو در دست پسر علیه پدر. این تضاد است. اینکه ما بگوییم سکولاریسم، اومانیتسم یا دینداریم مردم میگویند خب همه اینها آمدند، همشون غذا میخورند و... ولی اگر گفتیم با اجرای این سند، بچه‌ها به خواهران خودشان هم تجاوز می‌کنند. کما اینکه در سوئد شده، پیشرفته کشوری که به لحاظ توسعه به پیش می‌رود.

با شاخص‌های توسعه سند ۲۰۳۰ ایران می‌شود سوئد و سوییس. پدر به دختر تجاوز می‌کند. می‌گویند آقا اینها استثناهای جامعه است. باشد ما دیر آمدیم پیش شما. امضای سند ۲۰۳۰ یعنی قبول نظامات قطعی شده جریان سلطه. خب آقا می‌شود یکی از اینها را بگویید؟ بله می‌شود. مثلا می‌گویند فرانسه از نظر شاخص‌های بهداشت رتبه ششم را دارد. خب می‌گوییم یعنی چه؟ می‌گویند ما مرگ مادر و نوزاد نداریم. خیلی خوب خدا پدرتان را بیمارزد. یعنی کسی سر زانمی رود؟ می‌گویند خیر. این نگاه برای کیست؟ برای فرانسه. خب ایرانی میتواند حرف بزند؟ اجازه دارد؟ میتواند سوال بپرسد یا باید هرچه شما گفتید بپذیرد؟ بله بفرمایید. اگر شاخص حلال زادگی فرزند- یعنی بچه‌ای که انشالله هم خودش هم مادرش سالمند و از دنیا نمی‌رود، به غیر از مادر، پدرش را هم بشناسد، نه اینکه اگر پرسید پدر من کیست بگویند نمیدانم- به این نظامات و وضعیت سلامت در فرانسه اضافه شود، میشه این شاخص را به شاخص‌های شما اضافه کنیم؟ می‌گویند خیر چون این شاخص ایدئولوژیک است. عجب!! خب چه ایرادی دارد ایدئولوژیک باشد؟ آیا این حق طبیعی بچه نیست که بداند از چه کسی به دنیا می‌آید؟ مگر نمی‌گویید ایدئولوژی در برابر حق طبیعی است و محدود کردن حقوق طبیعی است؟ خب حق طبیعی بچه نیست بداند پدر او کیست؟

الان ۶۷ درصد نوزادان متولد در فرانسه پدران خود را نمی‌شناسند. وقتی حلال زادگی را به شاخص‌های بهداشتی اضافه کنیم و ارزیابی مجدد کنیم گینه بیسائو، اردن و کشورهای اینچنینی مثل سودان و سومالی میان اول لیست و فرانسه با ۷۰ درصد زنازادگی می‌رود آخر. مگر اینکه دوستان بگویند ما از بحث زنازادگی عبور کردیم.

ببینید من همیشه از آزادی بیان حمایت کردیم. اصلا کلمه حقی که در آزادی بیان نتواند حقانیت خود را ثابت کند باید ریخت دور. منتها ما را بردن گوشه‌ای و می‌گویند فقط به درد شهادت می‌خورد. غلط کردید؛ ما شهادت را برای مرگ می‌خواهیم نه الان. ما اول باید حقانیت خودمون را اثبات کنیم. برنامه هامون را اجرا کنیم. انشالله آخرش هم شهید شویم.

سند ۲۰۳۰ در دعوی این دو اردوگاه دارد متولد می‌شود (جریان انقلاب اسلامی و جریان غرب). دردآورش اینجاست که این سند توسط دولتمردان ما دارد انجام می‌شود و تایید شده. چرا پنهانی می‌شود؟ چون جامعه نسبت به ایدئولوژی زایی حساسیت به خرج می‌دهد. جامعه حساسیت نشان می‌دهد نه دین.

-مسئولین و مجریان داخلی این سند ادعا می‌کند این سند فوایدی هم در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی دارد و برای پذیرش سند حق شرط گذاشته اند.

خب بگویید ببینیم این حق شرط چیست؟ یک معاهده روح دارد. فضای کلی دارد. خب در ۲۰۳۰ روح این سند ضد خانواده و ضد بشریت است- گفتیم دیگر مثلا طبیعی ترین حق انسان شناختن پدرش است- ولی شما در این سند به محض امضای آن باید بپذیرید فرزندان ناشی از زنا را. باشد بفرم هم قبول کنیم هم بزرگشان کنیم و هم دولت امام زمان (عج) هزینه اینها را بدهد. فردا اگر این پسر یا دختر یقه ما را گرفت که پدر من کیست؛ چی باید بهش بگوییم؟

برویم سراغ نکته بعدی؛ جلوه‌های زیبای ۲۰۳۰؛ می‌گویند با سند ۲۰۳۰ نشاط اجتماعی وارد مدارس می‌شود. میپرسیم چه جوری وارد می‌شود؟ می‌گویند استعدادها هدایت می‌شود. واقعا خیلی خوبه. ولی این یعنی اینکه الان استعدادها هدایت نمی‌شود؟ اگر همه استعدادها هدایت نمی‌شود، خوب شما مسئولین که گل سرسبد استعدادهای ایرانید. چه جوری اومدید اینجا؟ با رانت آمدید؟ با چه فرآیندی آمدید؟ این چه توهینی است که شما در حق خودتان و ملت پذیرفتید؟ امضا هم کردید. چرا انقد عجله؟ چرا پنهانی؟ چرا یواشکی؟

حوزه بعدی که مطرح می‌کنن اقتصاد آموزش و پرورش است. می‌گویند ما می‌توانیم از پتانسیل‌ها بین المللی کمک بگیریم. کمک بگیرید برای چه؟ ما یک سیستم آموزش و پرورش داریم، امکانات، سخت‌افزاری و یک مدل نرم‌افزاری داریم. یک روح حاکم بر این مدل فکری داریم. الان تجهیزات کم داریم در آموزش و پرورش یا مدل فکری؟ چه چیزی کم داریم؟

اگر اذعان کنیم در مدل فکری و روح حاکم مشکل داریم که یعنی دولتمردان مدعی عقل و تدبیر و درایت و... مشکل داشتند چراکه مدل ناقص است. اگر بگوییم تجهیزات کم است خوب می‌پذیریم. می‌گوییم خوب پول بگیرید و مشکل را حل کنید، ولی آنها که سند را طراحی کرده‌اند می‌گویند نه، اول این مدل فکری را عوض کنیم. بعد پول و تجهیزات می‌دهیم. ای بابا؛ ما گیرمان پول است که بخاری بخریم بچه‌ها مان نسوزند. اما مدل اینها این است که جوان در سن ۱۸ سالگی توان دفاع از خودش و کشورش را نداشته باشد. این تربیت باید زیر رو شود. ما میگوییم این دختر بچه‌های شین‌آباد دارند می‌سوزند. آنها می‌گویند خیر اول این ایدئولوژی زایی و تعویض مدل فکری را انجام بدهید بعد. خوب اینکه یعنی گروگانگیری علمی و هویتی.

سند ۲۰۳۰ اذعان به ناتوانی ایرانی است و نکته دردآور این است که مسئولین این حرف را می‌زنند. میشه ما در فرانسه پول بدهیم بگوییم ما می‌خواهیم یک دبیرستان تاسیس کنیم در کشور شما که همه چادر بپوشند. هم امکانات می‌دهیم هم روح و مدل؛ می‌گذارند؟ قطعاً نه. خوب مگر آزادی بیان نیست؟ خوب چرا نمی‌گذارند؟ خوب بگذارند ما مدرسه بزنیم.

سوال بعدی، آقای روحانی و ظریف در نظام ۲۰۳۰ بوجود آمده؟ مطهری و علامه طباطبایی از نظام ۲۰۳۰ بیرون آمده؟ ما می‌گویید پذیرش نظام آموزش ۲۰۳۰ یعنی توهین به خودتون، ما و مردم به درک.

ما این مصادیق را نمی‌گوییم بعد می‌رویم در لفافه می‌گوییم این تضاد ایدئولوژیکی دارد. چرا اینقدر سختش می‌کنیم. ساده حرف بزنیم. امام(ره) چرا توانست مردم را بسیج کند؟ حضرت آقا چطور مردم را بسیج می‌کند؟ با ساده‌گویی. چطور می‌توان بسیج زدایی کرد؟ همین مغلق و مبهم صحبت کردن. الان همه کت و کلفت حرف می‌زنند. این اشتباه است. ببینید منتهی‌الیه خلقت در نگاه حضرت رسول چیست؟ قولوا لاله الا الله تفلحوا. بگویید لاله الا الله تا رستگار شوید. با فلسفه خدانشناسی شروع نمی‌کند که برهان نظم و خلف دارد. ساده می‌گوید. نه اینکه ما توان دفاع تئوریک نداریم. نه اینها دو تاست. ببینید آنها چه چیزی را هدف قرار داده‌اند؟ جامعه ما را هدف قرار داده‌اند. جامعه ما باید مبانی تئوری داشته باشد که بتواند از مصادیق دفاع کند. اگر این مبانی نباشد از مصادیق نمی‌شود دفاع کرد. اگر مبانی تئوریک داشتیم حتما می‌توانیم از مصادیق دفاع کنیم؟ این هم دقیق معلوم نیست. شما نظام سازی کنید.

من سوالم این است که می‌گویند یکی از دستاوردهای بزرگ و سترگ ۲۰۳۰ اجتماعی کردن آموزش و پرورش است. یعنی هر کسی حق دارد فرزند خود را آموزش دهد؟ خوب ما ۹۰ سال برویم عقب تر، نظام آموزشی ما چگونه بود؟ هر کسی اختیار داشت فرزند خود را همانگونه که می‌خواهد آموزش دهد. خوب این که مدل جدیدی هم نیست. پس چرا شما می‌خواهد جنس بنجل ۱۰۰ سال قبل خودمان را به است دستاورد نوین و سترگ بشری به خودمان بندازید؟ بعد هم می‌گوییم به خیلی به روز است. شما خبر ندارید. خوب باشد می‌شود کمی توضیح دهید؟ می‌گویند ما می‌خواهیم به توسعه انسانی در آفاق تمدن برسیم، خوب حالا توضیح بدید ببینیم؟ خوب می‌گوید ببین اول باید بی خیال دختر و پسر بشی. می‌گوییم آقا می‌شود اول از خودت شروع کنی؟ نمی‌پذیرد. خوب چرا می‌خواهی ما و مردم را به فنا بدهی؟ اول از خودت شروع کن بیا وسط.

این نگاه مصداقی آسیب‌هایی است که ممکن است بر این سند مترتب شود. سوال میکنیم قبلا که به بچه‌ها آموزش جنسی نمی‌دادیم، تولید مثل و توالد به خطر افتاده بود؟ زاد و ولد و ازدواج انجام نمی‌شد؟ الان که بهانه بهداشت است، واقعا در غرب رفتار پرخطر جنسی صورت نمی‌گیرد. اصلا سوال این است که رفتار پرخطر از کجا به کجا منتقل شده؟ این الگوی رفتار پرخطر جنسی برای ما عقب افتاده‌های ایدئولوژیک مذهبی است یا برای غرب به اصطلاح متمدن؟

نکته دوم؛ می‌گویند در ۲۰۳۰، آموزش جنسی از سن مهدکودک و دبستان. ما می‌گوییم چرا تمرین؟ این بچه‌ای که آموزش دیده و توان دارد یک باره برود اصل زندگیش را انجام دهد. می‌گوییم یک مرتبه ازدواج کنند که این رابطه رسمی و قانونی شود. می‌گویند نه، بچه هنوز عقلش نمیرسد. سوال اینجاست که اگر عقلش نمی‌رسد چطور در سن پایین آموزش ببیند و در سن بالا ازدواج کند؟ خب معلوم است این سن می‌شود سن فحشا؛ چیزی که در غرب اتفاق افتاده و ما نمونه عینی و مصداقی آ» را داریم میبینیم.

سبک زندگی ایرانی این است که این نوجوان و جوان، تا وقتی شرایط ازدواج برایش مهیا نشده ذهنش را درگیر این مسائل نکنیم. وقتی ذهنش درگیر شد خب راه دارد، برود ازدواج کند. به ما می‌گویند اینکه مدل دیوانگی است. این مدل ایدئولوژیک است. خب بگو بینم مدل عقلانی تو چیست؟ می‌گوید بیاید از همین بچگی که بچه هر را از بر تشخیص نمیدهد به او آموزش بدهیم و ذهنش را درگیر کنیم و حساس شود. بعد ما میگوییم حالا که حساس شده بگذاریم ازدواج کند که تبعات نداشته باشد. می‌گویند بگذارید هرکاری دوست دارد بکند، ما آموزش سقط جنین می‌دهیم. آنوقت به این مدل می‌گویند مدل عقلانی.

مشکل امروز ما دفاع از عقلانیت است. این است که اثبات کنیم ما هم عقل داریم، ما هم می‌فهمیم، ما هم طرح و ایده داریم، مدل فکری داریم ولی این طرح شما غیر عقلانی و دیوانگی است. ما سوال میکنیم که شما می‌گویید دختر در ۹ سالگی توان مدیریت ندارد نمیتواند سرویس جنسی به همسرش بدهد، پس چرا باید آموزش ببیند؟

شما ادعا میکنید که اگر ۲۰۳۰ اجرا شود، ما باید جامعه مطهرتر و پاکیزه‌تری داشته باشیم. ولی این کجا روی زمین پیاده شده؟ نمونه اجرا شده مدل ۲۰۳۰ کجاست؟ ینی چه جور جامعه‌ای بسازید؟ انگلیس که آقایون آنجا درس خواندند خوب است؟ برزیل و امریکا خوب است؟ مگر نمی‌گوید عقل؟ بدون دین‌گرایی و نگاه ایدئولوژیک نگاه میکنیم، من تجربه‌گرای محض می‌شوم. شما نشان بدهید و شما نمونه بیاورید.

این مدل در تعارض کلی با نگاه ماست. یعنی اگر شما یک ساختار اومانستی داشتید و یک ساختار الهی، این ساختار فکر دارد، این فکر مدل تولید می‌کند، مدل استراتژی می‌شود و این استراتژی برنامه دارد و این برنامه بچه من و شما را تربیت میکند. در این سند آمده حق ندارید بچه زیر ۱۸ سال را در حوزه‌های دفاعی و امنیتی بکارگیری کنید. خب این مجسمه مجاهدان و شهدایی که در ابتدای خیابان شانزلیزه پاریس نماد شدند چند سالشونه؟ این نماد ملی شماسست دیگر. به ۱۸ رسیده بودند؟ نرسیده بودند.

میشه بگید ارتش ذخیره و دفاعی کشورها سن بکارگیری اعضا در این ارتش‌ها چقدره؟ دفاع ملی یه چیزی مثل بسیج ماست. در همه کشورها هم هست. مثلا در دفاع ملی فرانسه که بین ۱۶ تا ۷۶ سال جذب می‌کند. در آموزش‌های این افراد بهشون قرآن یاد می‌دید یا قانون اساسی و سرودهای به شدت وطن پرستانه؟ پس شما هم که ایدئولوژی دارید! درسته یا نه؟ فقط ایرانی‌ها عقل ندارند که بیایند به ۲۰۳۰ عمل کنند؟ فقط شما ایدئولوژیک باشید؟ امریکا رو مثال میزنم، آقای جورج بوش قطب عالم امکان دوستان غربگرا میگوید: «گسترش دموکراسی با زور ولو بلغ ما بلغ»؛ عملیات برای آزادی.

سوال اینجاست که می‌شود ما برای گسترش ارزشهای الهی دست به جنگ و حمله بزنیم؟ حالا کی ایدئولوژیک تر است؟ ما یا آنها؟

دفاع از مرزهای سرزمینی و حوزه جغرافیای ایران یک اصل ملی است یا اسلامی؟ در هشت سال جنگ به کجا تعرض شد؟ به حوزه جغرافیایی و سرزمینی ما؛ ایدئولوژی زایی از آموزش و پرورش یعنی تخلیه بنیه راهبردی دفاعی کشور. و این هموار کردن ورود داعش و امریکا و اسرائیل و هر جریان دیگری به داخل خانه هاست.

خلاصه در یک کلام: خروجی سند ۲۰۳۰ تبدیل متجاوز به مهمان و صاحبخانه است. چرا؟ این چه زمانی اتفاق می افتد؟ زمانی که اولاً متجاوز خیلی سیاسی و پیچیده است و دوم اینکه این صاحبخانه اذعان داشته باشد به اینکه من ناتوانم. اینجاست که سند ۲۰۳۰ مسیر را برای اذعان به ناتوانی صاحبخانه هموار می کند.

– این اصرار مسئولین برای توجیه و عجله برای پیوستن و امضای سندهای بین المللی و تفسیر به رای پس از آن چیست؟

به نظرم این توجیه نیست، عجله هم نیست. جایگاه ارزش و ضد ارزش در ذهن این دوستان عوض شده. جای خوب و بد عوض شده. جای معروف و منکر عوض شده. جای زشت و زیبا عوض شده. مرد و نامرد عوض شده. هنجار و ناهنجار. یک عده ای دارند کلاغ را رنگ می کنند جای طاووس بفروشند. ۲۰۳۰ رنگ کردن کلاغ و قالب کردن جای طاووس است.

این جریان توسط خودمان اتفاق افتاده است. جریان فکری ای که معتقد است باید ادغام شد در نظام بین المللی. جریانی که قائل است تاکید و تصریح هویت ایرانی، هزینه زاست. ماجراجویی است. داد و بیداد کردن و دشمن تراشی است. می گویند من اگر بخواهم خودم باشم این خطرناک است. بعد می گوئیم اسمش چیست؟ می گویند تعامل. خب مگر ما امروز در عرصه بین الملل قمه کشی و راه بندان می کنیم که باید برویم سمت تعامل؟ یک جا را بگوئید که ما در ۲۰۰ سال اخیر به آنجا زده باشیم. خب این تعامل از کجا در می آید؟ دوستانی که از پافشاری بر ارزش های انقلاب ناراحت می شوند، مشکلشان چیست و از چه ناراحتند؟ جنایت دوستان در حق تاریخ ایران غیر قابل انکار است. سند ۲۰۳۰ یعنی استیضاح فرهنگی ایران. اذعان به ناتوانی ایران و اینکه ایرانی هیچ چیزی ندارد. ایرانی نمی تواند.

من معتقدم ایرانی هم می تواند و هم سابقه بزرگی دارد. اگر محکم می ایستد و می گوید این نمیتواند بشود علت دارد. چون هم سابقه فرهنگی به لحاظ تاریخی دارد و هم هویت اسلامی دارد. دوستان به هر دوتا بیگانه اند. چه خیانت باشد و چه حماقت فرقی ندارد نتیجه قطعی اش در جامعه یکی است و آن هم به فنا دادن ظرفیت های تمدنی ایران است. من معتقدم اینا بی عقلی می کنند. امروز در ایران باید سپاه دفاع از عقلائیت شکل بگیرد.

این ها دختران و پسران خود را در سن پایین به ازدواج سوق می دهند، بعد به ملت که می رسد باید در سن بالا ازدواج کنند؟ من اسم این را می گذارم نفاق فکری، که اگر ادامه پیدا کند به رفتاری هم منجر می شود. کسانی که واقعا دارند تلاش می کنند می دانند انقلاب اسلامی می تواند به بازطراحی مجدد برسد. ولی برخی می خواهند حذف کنند و جلوی زایش انقلاب اسلامی را بگیرند. ما امروز مرحله هزینه هایمان را پشت سر گذاشته ایم و به استقرار رسیدیم این استقرار می تواند ما را به جایی برساند که طول گام هایمان در پیشرفت و توسعه خیلی بیشتر از قبل باشد. این آینده مشعشع ماست. اگر ما در سخت ترین بخش حاکمیت یعنی امنیت و اقتصاد مدل بومی داریم، تفکر و هویت و فکر داریم، در مسائل دیگر که دشواری ای وجود ندارد. بخش فرهنگی که اصلا ما مدل داریم.

می گویند آموزش باید مردمی باشد. پس چرا مردمی ترین نهاد روی کره زمین از بدو خلقت تا الان را که جهاد سازندگی بود را جمع کردید؟ چرا وزارتخانه اش کردید؟ چرا می خواهید همه چیز را در اختیار بگیرید؟ ما می گوئیم مردم را نمی توان غل و زنجیر کرد. و در پایان مجددا تاکید می کنم بچه های انقلاب باید به خودشان جرأت بدهند ساده حرف بزنند. این به معنای بی سوادی نیست. ساده بگویند. به ساده ترین شکل ممکن.

www.BGH.ir

<https://Telegram.me/bachehayeghalam>

<https://Twitter.com/bachehayeghalam>

https://Instagram.com/_u/bachehayeghalam